

موضوع: بررسی ضوابط مشارکت اجتماعی زنان در اسلام

راضیه فتاحی^۱

چکیده:

انسان از دو جنس زن و مرد آفریده شده است. بنابراین نیمی از جمعیت جهان را زنان تشکیل داده اند و این نیمه از جهان نقش مهم و بسزایی در تعیین سرنوشت جامعه دارد. زنان همچون مردان در تعیین سرنوشت خود و جامعه بسیار مهم هستند و لازم است مشارکت هایی در همه زمینه ها در اجتماع داشته باشند. اما به دلیل حساسیت هایی که در آفرینش زن وجود دارد ضروری است که این مشارکت در چارچوب خاصی باشد و دارای قواعد و ضوابطی است که نباید از آنها عدول کرد. در مقاله حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی گردآوری شده است به بررسی چگونگی این ضوابط پرداخته شده است و این ضوابط را در بُعد ضوابط ناظر بر حفظ روابط خانوادگی مانند اجازه همسر و رسیدگی به امور منزل و فرزندان و ضوابط ناظر بر اصول و قواعد کلی اسلام مانند حفظ حجاب و عفاف، پرهیز از اختلاط با نامحرم، پرهیز از تبریج و... مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی: اجتماع، زنان، ضوابط، مشارکت

^۱ - طلبه سطح دو حوزه علمیه خواهران حضرت زینب کبری سلام الله علیها، شهرستان هرسین

اسلام احترام و جایگاه خاصی برای زن منظور نموده و اعلام داشته که زن یکی از دو عنصری است که انسان از آن پدید می آید، زن مکمل مرد و از جنبه هویت برابر با مرد است و در نهایت هیچ انسانی بر دیگری جز به تقوی و نیروی ایمان برتری ندارد. رفتار پیامبر اکرم(ص) با زنان و احترام و تفویض مسئولیت های اجتماعی گوناگون به آنان نیز یکی از دلایل ارج نهادن به شخصیت و ارزش اجتماعی زن تلقی میشود؛ اما از آنجا که زن به عنوان مظهر زینت و جمال در روابط اجتماعی ممکن است با انواع هجمه ها روبرو شود، آموزه های دین مبین اسلام احکام خاصی را متوجه زنان نموده تا در روابط اجتماعی دستخوش مخاطره نگردند. روابط اجتماعی زنان نیز نوعاً ناظر بر حفظ کرامت و ارزش وجودی زن به دستورات ویژه ای از جمله رعایت حجاب، عفاف، حیا، مراعات روابط با نامحرم و... بر می خوریم که زیست اخلاقی و اجتماعی زن را تنظیم می نماید؛ تاریخچه این موضوع به آغاز تشکیل حکومت اسلامی پیامبر سلام الله علیها باز می گردد؛ زیرا با ظهور اسلام زن ارزش های انسانی خود را بازیافت و در فعالیتهای سیاسی و اجتماعی حضور جدی یافت. اما طرح جدی تر این موضوع به چند قرن اخیر باز می گردد که با گسترش موج زن گرایی یا فمینیسم و آغاز جاهلیت مدرن، شخصیت زن تا حد یک کالای تجاری و اقتصادی تنزل یافت. از این تاریخ به بعد پرداختن به جایگاه زنان در جامعه در چارچوب مکتب اسلام و ارائه الگوی اسلامی، جهت زنده کردن هویت واقعی زنان برای دلسوختگان اسلام فریضه و تکلیف الهی شد. اهمیت موضوع حاضر را می توان ناظر بر اهمیت جنس زن و کارکردهای متنوعی که در نقش های گوناگون از جمله مادری و همسری و ایفای نقش های متناسب با جنس زن در جامعه مطرح است دانست. از آنجا که زن به عنوان یکی از دو جنس انسانی به لحاظ حقوق و تکالیف از طرفی و از سوی دیگر رویکردهای انسانی در آموزه های اسلامی مورد توجه و تاکید بسیار قرار گرفته است، کتب و نوشته جات متعددی در خصوص زن و مشارکت اجتماعی او به رشته تحریر در آمده است؛ اما کتاب یا مقاله ای که صرف موضوع حاضر را در ابعاد زندگی خانوادگی و اصول کلی اسلام بررسی کرده باشد یافت نشد.

۱- مفهوم شناسی:

از آنجا که مفاهیم واژگانی در شناخت و بیان موضوع موثر است در ابتدا مفاهیم کلیدی عنوان موضوع بررسی می گردد:

۱-۱- جامعه در لغت:

واژه‌ی «جامعه» از ریشه‌ی عربی «جمع» گرفته شده است، به معنای پیوستن، گرد آمدن و در کنار هم قرار گرفتن افراد یا چیزها.^۱

در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز «جامعه» به معنای «گروهی از مردم که در کنار هم زندگی می‌کنند و با یکدیگر روابط و منافع مشترک دارند» آمده است.^۲

در فرهنگ معین نیز، جامعه «مجموعه‌ای از افراد انسان که تحت ضوابط و آداب و رسوم معین با هم زندگی می‌کنند» تعریف شده است.^۳

در اصطلاح:

در اصطلاح علمی، جامعه مجموعه‌ای از انسان‌هاست که در قلمرو جغرافیایی مشخص زندگی می‌کنند، دارای فرهنگ، هنجارها، ارزش‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مشترک‌اند، و با یکدیگر روابط پایدار دارند.^۴ امیل دورکیم نیز جامعه را «واقعیتی مستقل از افراد که دارای آگاهی جمعی و قواعد الزام‌آور است» می‌داند.^۵

در تعریفی دیگر، جامعه نظامی از کنش‌های اجتماعی است که در آن ارزش‌ها و هنجارها باعث انسجام میان اعضا می‌شود.^۵

^۱ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۴۷؛ فِیومی، المصباح المنیر، ماده «جمع»

^۲ - دهخدا، لغت‌نامه، ج ۶، ص ۹۸۴۳

^۳ - معین، فرهنگ‌نامه، ج ۲، ص ۱۸۵۰

^۴ - گی روشه، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه بازرگان، ۱۳۷۴، ص ۲۳

^۵ - دورکیم، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، ۱۳۷۰، ص ۴۹

بنابراین، در اصطلاح جامعه‌شناسی، جامعه صرفاً جمع افراد نیست، بلکه یک نظام منسجم و سازمان‌یافته از روابط انسانی، فرهنگی و نهادی است.

۱-۲ ضابطه در لغت و اصطلاح:

واژه‌ی «ضابطه» از ریشه‌ی عربی «ضَبَطَ» گرفته شده است که به معنای استوار و منظم نگاه داشتن، جلوگیری از پراکندگی، و حفظ دقیق چیزها است.^۱

در المصباح المنیر نیز آمده است: «ضبط به معنای استوار نگاه داشتن و نگهداری چیزی از خلل و نابسامانی است».^۲

در زبان فارسی نیز، «ضابطه» به معنای قاعده، قانون یا مقرره‌ای کلی که برای تنظیم امور یا سنجش جزئیات وضع می‌شود آمده است.^۳ فرهنگ عمید نیز آن را به معنی قانونی کلی که بر اساس آن بتوان جزئیات را اندازه‌گیری یا مقایسه کرد، معنا نمی‌کند.^۴

در اصطلاح:

فقیهان واژه‌ی «ضابطه» را در معنایی نزدیک به «قاعده» به کار می‌برند، اما تفاوت ظریفی بین آن دو وجود دارد. به گفته‌ی سبزواری قاعده از ضابطه عام‌تر است، زیرا قاعده ممکن است چند باب فقهی را دربرگیرد، ولی ضابطه مخصوص یک باب خاص است.^۵

پس در اصطلاح فقهی، ضابطه به قاعده‌ای جزئی‌تر گفته می‌شود که در یک موضوع یا باب خاص برای تشخیص حکم شرعی و نظم‌بخشی به فروع آن به کار می‌رود.^۶

۱ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۹۴

۲ - قتیومی، المصباح المنیر، ماده «ضبط»

۳ - دهخدا، لغتنامه، ج ۸، ص ۱۱۷۸۲؛ معین، فرهنگنامه، ج ۲، ص ۱۹۸۴

۴ - عمید، فرهنگ عمید، ص ۲۲۴۵

۵ - سبزواری، مهذب الأحکام، ج ۱، ص ۲۲

۶ - حلی، قواعد الأحکام، ج ۱، ص ۱۲

از دید جامعه‌شناسی نیز، «ضابطه» معادل هنجار یا معیار رفتاری پذیرفته‌شده در جامعه است که اعضا باید آن را رعایت کنند تا نظم اجتماعی پایدار بماند.^۱

۱-۳ مشارکت در لغت:

در زبان عربی، «شِرْکَة» به معنای اختلاط اموال دو یا چند نفر به گونه‌ای که مال هرکدام از دیگری جدا نباشد آمده است.^۲ قرشی در معنی شرکت می‌نویسد: شرکت و مشارکت به معنی شریک شدن است. کسی که در کاری یا در چیزی با دیگری سهیم است.^۳

در لغت‌نامه‌ی دهخدا نیز به معنای شریک شدن، همکاری و همیاری در کاری ذکر شده است.^۴

در اصطلاح:

در علوم اجتماعی نیز، مشارکت به معنای حضور آگاهانه و داوطلبانه‌ی افراد در تصمیم‌گیری، اجرا و بهره‌مندی از نتایج فعالیت‌های جمعی است.^۵

به تعبیر دکتر توسلی، مشارکت نوعی همکاری سازمان‌یافته است که در آن افراد برای رسیدن به هدفی مشترک با احساس مسئولیت جمعی عمل می‌کنند.^۶

۱ - غفاری، جامعه‌شناسی نظم و کنترل اجتماعی، ص ۴۷

۲ - ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، ص ۴۶۴؛ فِیومی، المصباح المنیر، ماده «شرک»

۳ - قرشی، قاموس قرآن؛ ج ۴، ص: ۲۰

۴ - دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه شرکت

۵ - غفاری، مشارکت اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی، ص ۲۷

۶ - توسلی، جامعه‌شناسی مشارکت، ۱۳۷۹، ص ۴۱

سروکار دارند، مطلوب و پسندیده است چرا که نهی از این صفت به دلیل آثار زیانباری است که بر آن مترتب می شود، اما در مواردی که موجب حفاظت شخصی از ورود و نفوذ شیطان شود و یا اینکه آثار سودمند دیگری داشته باشد مذموم و ناپسند نیست.^۱

در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است که: «بهترین صفات زن ها، بدترین صفات مردان است و آن سرفرازی، ترس و بخل است؛ چرا که زن وقتی سرفراز و متکبر باشد، به کسی جز همسرش تسلیم نمی شود و چون بخیل شود، مال خود و شوهرش را حفظ می کند و چون بیمناک و ترسو باشد، از آنچه که به او روی می آورد، می ترسد»^۲

پس می توان گفت که با وجود اینکه از آثار تکبر تسلیم نشدن است، ولی این اثر به طور مطلق بد و مذموم نیست؛ چرا که تکبر زن در برابر مرد اجنبی پسندیده است چون که دامن زن را از آلودگی حفظ می کند.

بنابراین شیوه گفت و گو و حرکت، حفظ وقار و متانت، همان نقشی را دارد که پوشش زن ایفا می کند و عدم رعایت آن، عواقب شومی در پی دارد. خداوند نیز در قرآن کریم یکی از صفات خوب زنان مؤمن را - که در رفتار دختران شعیب جلوه گر است - حیا و وقار می داند.^۳

۵- پرهیز از تبرج

تبرج از ریشه برج، به معنی آشکار ساختن چیزی است که باید نهان باشد؛ و به اظهار زیبایی های ظاهری زنان که باید نهان باشد، تبرج می گویند.^۴

استفاده از پوشش همیشه به معنی نفی تبرج نیست، چرا که تبرج به معنای خودنمایی و جلب توجه دیگران است و این مسئله با استفاده از برخی پوشش ها یا نوع و مدل آنها نیز محقق می شود. چنانکه ممکن است زن

^۱ - طاهری نیا، حضور زن در عرصه های اجتماعی، صص ۱۲۶-۱۲۷

^۲ - نیشابوری، روضة الواعضین، ص ۳۷۲

^۳ - قصص، ۲۵

^۴ - طاهری نیا، حضور زن در عرصه های اجتماعی، ص ۱۱۸

با سر و گردن پوشیده در جامعه رفت و آمد کند، به محل کار و اداره برود، در محافل و مجالس شرکت کند، در دانشگاه و مدرسه حاضر شود، اما با پوششی که دیگران را مجذوب خود کند؛ در این حالت در اصل پوشش مشکلی ندارد و نمی توان به او گفت خود را بپوشان؛ مشکل او در انتخاب کیفیت و نوع پوشش است؛ که هرچند بدن خود را از نامحرم پوشانده است، نوع آن پوشش هوس انگیز و تحریک کننده است.

برخی دیگر از مصادیق تبرج مربوط به رفتارها و حرکات است. رفتارهای جلف و سبک زنان در بیرون از خانه مصداق تبرج بوده و ممنوع است^۱. بنابراین هر آنچه موجب خودنمایی و جلب توجه دیگران شود، تبرج است و زن برای فعالیتهای خود در اجتماع و در میان مردان نامحرم موظف است از بکارگیری هرگونه مظاهری که سبب انگشت نمایی او در جامعه شود، بپرهیزد حتی اگر چادر باشد؛ چرا که ممکن است، جنس، رنگ و مدل چادر جلب توجه کند و از مصادیق تبرج باشد^۲.

^۱ - همان، صص ۱۱۸-۱۱۹

^۲ - همان

نتیجه گیری:

خداوند تعالی با لحاظ نمودن جنبه های روانشناختی، زن و مرد را آفریده است تا هرکدام با انجام وظایف خاص خود موجبات بقای نسل و اداره جامعه را فراهم نمایند. اما تفاوت های طبیعی بین زن و مرد قرار داده است البته این تفاوت را نمی توان عامل برتری مرد بر زن دانست چرا که هر کدام از آنها به تناسب وظایفشان در طبیعت وظایف مخصوص به خود دارند و ملاک برتری فقط تقواست. با بررسی اوضاع و احوال زنان در امت های عقب مانده و پیشرفته پیش از اسلام به این نتیجه می رسیم که در این میان تنها اسلام است که در صدد شناخت ارزش های وجودی وی پرداخته و حقوق و جایگاه اصلی او را در جامعه اسلامی، در زمینه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... معرفی کرده و هویت و حقوق از دست رفته زنان در طول تاریخ را به آنها اعاده کرده است. بنابراین اسلام نه تنها با حضور زنان در این صحنه ها مخالف نیست بلکه در بسیاری از موارد به این حضور در کنار رسالت عظیم وی در خانواده تاکید نموده است و با وضع احکامی دقیق مانند رعایت پوشش مناسب، آنان را به حضور فعال در اجتماع و برآوردن نیازهای جامعه تشویق می کند و این امر به صراحت در حکومت پیامبر گرامی (ص) و ائمه معصومین قابل مشاهده است و همزمان قواعد و ضوابطی را برای مشارکت زنان در اجتماع تعیین کرده است که موجبات سلامت جامعه را فراهم می آورد و از آنجا که زنان نقش مهمی در پرورش و تربیت کودکان دارند می توانند با حضور درست و سالم خود در جامعه و رعایت اصول و موازین شرعی، منزوی نبودن و بی تفاوت نبودن در امور اجتماعی به آنها یاد داده و حضور فعالانه اجتماعی را ضمن رعایت حدود و ضوابط را به فرزندان خود آموزش داده و موجب پرورش فرزندان مسئول و متعهد در چارچوبی که دین مبین اسلام برای آنها معین کرده شوند و بدین ترتیب جامعه ای پویا پدید آورند.

* قرآن کریم

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ اول، بی تا.
۲. اصفهانی، راغب، حسین بن محمد، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن: ترجمه غلامرضا خسوی، تهران، مرضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴
۳. باقری، مجید، ۱۱۰ سؤال از استاد مطهری، تهران سازمان بسیج دانشجویی، ۱۳۸۴
۴. پارسونز، تالکوت، نظام اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، تهران:
۵. توسلی، غلامعباس، جامعه‌شناسی مشارکت، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۹.
۶. حکیمی، دفاع از حقوق زن، مشهد، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، چاپ هفتم، ۱۳۸۷
۷. خامنه‌ای، علی، نکته‌های ناب، گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان (سالهای ۱۳۶۸-۱۳۸۳)، قم، دفتر نشر معارف، هفتم، ۱۳۸۸
۸. دورکیم، امیل، قواعد روش جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: نشر نی، ۱۳۷۰
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غرائب القرآن، قم، نشرالکتاب، بی تا
۱۰. سبزواری، محمدباقر، مذهب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، چاپ اول، بی تا.
۱۱. طاهری نیا، حضور زن در عرصه‌های اجتماعی-اقتصادی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۹
۱۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، زن در اسلام، قم، دفتر تنظیم و نشر آثار علامه طباطبایی، چاپ اول، ۱۳۸۴
۱۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ سوم، ۱۳۸۴.
۱۴. غفاری، غلامرضا، جامعه‌شناسی نظم و کنترل اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۹۲.

۱۵. فَيُّومِي، احمد بن محمد، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ اول، بی تا.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر ، قاموس قرآن، ج ۲، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۱
۱۷. گروهی، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی، قم، دفتر نشر معارف، بی تا
۱۸. گی روشه، ژان. درآمدی بر جامعه شناسی، ترجمه باقر بازرگان، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۸۴
۱۹. مطهری، مرتضی ، مسأله حجاب، قم، صدرا، بی تا
۲۰. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه چاپ: سی و دوم، ۱۳۷۴
۲۲. نیشابوری، فتال، روضه الواعضین، قم، مصطفوی، ۱۳۷۷